افتتاح هجدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی در موسسه محک

موسسه حمایت از کودکان سرطانی محک با برگزاری مراسمی ویژه به استقبال جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی می‌رود و اولین مراسم رسمی این جشنواره در این موسسه برگزار خواهد شد. این مراسم امروز در ساختمان مرکزی محک واقع در دارآباد برگزار می‌شود. اجرای نمایش‌های آیینی سنتی از جمله خیمه‌شب‌بازی و نقالی از جمله برنامه‌هایی است که برای کودکان سرطانی در این روز تدارک دیده شده است. این مراسم در ساعت ۹:۳۰ امروز، آغاز می‌شود. اتوبوس‌های ویژه خبرنگاران، عکاسان و مهمانان جشنواره ساعت ۸ صبح از مقابل تالار وحدت به سمت محل برگزاری افتتاحیه حرکت خواهند کرد. هجدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی از ۸ تا ۱۵ شهریورماه به دبیری داوود فتحعلی‌بیگی برگزار می‌شود.

نشان ترکمانچای برای عکاسان زن

هنرآنلاین

مسئولین در لحظه تصمیم‌گیری به چه چیز فکر می‌کنند؟

وقتی که مسئولین تصمیم می‌گیرند دقیقا به چه مسائلی می‌اندیشند؟ بر کدام ویژگی‌ها تاکید می‌کنند؟ بر روی چه موارد و مصائبی تمرکز می‌کنند؟ چه شاخص‌هایی را مورد توجه قرار می‌دهند؟ چگونه جوانب کار را در نظر می‌گیرند؟ چه منافعی و به بیان بهتر منافع چه کسانی را در نظر می‌گیرند؟ حقیقتا در لحظه تصمیم‌گیری به چه چیز فکر می‌کنند؟

پس از گذشت حدود ۱۷ سال از تاسیس انجمن عکاسان مطبوعات ایران امسال اولین دوره اعطای نشان عکاس سال از سوی این انجمن برگزار شد.

این تصمیم پس از برگزاری گردهمایی انجمن صنفی عکاسان مطبوعات در سال گذشته اتخاذ شده است. سرانجام در روز شنبه مورخ بیست و هشتم مرداد این رخداد صنفی برگزار و هفت نشان به عکاسان برگزیده و پیشکسوت اهدا شد. فعالیت‌های این‌چنینی از سوی انجمن‌های صنفی فی‌نفسه خوب و شایان توجه است با توجه به این‌که وظیفه این انجمن‌های صنفی دفاع از منافع حقوقی، قضایی، اجتماعی و حرفه‌ای اعضای آن است.

اما وقتی به عناوین نشان‌ها توجه کنیم، همه شامل فعالیت‌های عکاسان زیر عنوان عکاسی خبری قرار گرفته شده است. به جز یک عنوان که در نگاه اول کمی ویژه به نظر می‌رسد اما اگر به خوبی مورد بررسی قرار بگیرد، سوالاتی در ذهن ایجاد می‌شود؛ عنوان نشان عکاس برتر زن سال.

اولین سوالی که باید به آن پاسخ گفت؛ این است که چرا جدایی، چرا دو جنس زن و مرد که در کنار هم مشغول به انجام یه عمل صنفی هستند باید در ابتدا این‌گونه جدا شوند؟ آیا خود این نگاه تبعیض‌آمیز نیست؟ در بیانیه این بخش آمده بود (بخش آغازین بیانیه منهای اسامی کاندیدا و برگزیده نهایی، هیئت انتخاب و دلایل انتخاب در اینجا آورده می‌شود): پذیرفتن عنوان عکاس برتر زن سال از ابتدای امر برای اینجانب و سایر اعضای محترم هیئت داوران با توجه به نگاه جنسیت زده حاکم بر این عنوان سخت و دشوار می‌نمود. ما بر این سیاق بودیم که تبعیض را با تبعیض نمی‌توان جبران کرد. آنچه بنده حقیر و سایر اعضای گروه را برای پذیرفتن چنین مسئولیتی مجاب و قانع نمود، ایجاد مشوق‌های لازم از طریق این عنوان و گشایش راه و انگیزه‌ای جدید در جامعه بانوان عکاسی ایران بود.

در شرایطی که جامعه رسانه‌ای کشور شامل جراید، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری با نگاهی جنسیت‌زده و تبعیض‌آمیز قابلیت‌های زنان عکاس را نادیده می‌گیرند و عکاسان زن ما با مشکلات ناشی از عدم استخدام و به کارگیری توانایی‌های‌شان، عدم پرداخت حقوق و حق‌الزحمه در صورت استخدام، نداشتن بیمه و امنیت شغلی و در مواردی حتی دریافت نکردن یک ورق کارت خبرنگاری روبه رو هستند، این عنوان تلاش می‌کند بار دیگر توانایی‌های زن فعال و هوشمند ایرانی را چون آیینه‌ای برابر چشمان جامعه مطبوعاتی قرار دهد ... متن بیانیه آینده‌ای را آرزو می‌کند که احتمالا عناوینی این‌چنین جنسیتی، برجسته و از طرفی خاص، برای عکاسان زن جامعه ایران به ارمغان خواهد آورد. اما چرا و چگونه تصمیمی این‌گونه تبعیض‌آمیز اتخاذ می‌شود، این عنوان در نگاه اول به نظر حامی سرسخت حقوق زنان است اما در این میان برای به دست آوردن عنوانی این‌قدر ویژه چه چیزهایی را از کف می‌دهیم؟ تاریخ بشر سرشار است از رخدادهای مردسالارانه، تفکراتی مردانه و تصمیم‌گیری‌های مذکرمنشانه. فضای رسانه ایران نیز از این امر مستثنی نیست، در رسانه همیشه نگاهی مردسالارانه و به تبع آن منافعی در این میان به سود همین نگاه وجود دارد، اقداماتی جهت حذف نگاه مردسالانه و مدیریت‌های مردانه در ایران حکایت همان اقدامات علیه تولید و توزیع اسلحه و تصویب قانون عدم استفاده از اسلحه گرم در آمریکا را دارد، سال‌هاست که این کشور تلفات زیادی به دلیل عدم وجود این قانون داده است اما تلاش‌ها برای منع آن به نتیجه نمی‌رسد، چون افرادی از آن سود می‌برند، البته مثال‌های متعددی در ایران در همین زمینه می‌توان آورد که از ذکر آن‌ها در این‌جا خودداری می‌کنم.

نگاه‌های تبعیض آمیز در طول تاریخ ادامه می‌یابد تا آن‌جا که در عصر روشنگری قرن ۱۸ میلادی گام‌های نخستین برای حضور زنان متفکر و تاثیرگذار در جامعه برداشته شد و اسم زنان ابتدا در پوششی مردانه وارد تاریخ شد تا در اوایل قرن بیستم موج اول جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک علیه تبعیضات جنسیتی پا به عرصه گذاشت و حق‌خواهی زنان متفکر قرن هجدهم سرانجام در قرن بیستم تا حدودی محقق شد. از آن زمان اقدامات زیادی جهت برجسته کردن جنس زن و اخذ حقوق از دست‌رفته ایشان صورت گرفت و جهان این‌بار سرشار شد از شعارهایی علیه تبعیض جنسیت و امروزه هم جای خود را به نگاه مثبت جنسیتی داده است. نگاه مثبتی که جاپایش را در اکثر رخدادهای سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، ادبی، هنری و غیره می‌بینیم؛ نگاهی که منوط شده به اختصاص دادن امتیازها و امکاناتی در ظاهر ویژه در سراسر جهان. اما نتیجه این نگاه پیوسته و مداوم جهانی باعث شده تا زن موجودی ضعیف شمرده شود که به مدد طناب امکانات مضاعف می‌توانند خود را به بالا بکشد.

اما مرز باریکی‌ست میان نگاه مثبت جنسیتی و نگاه ترحم‌آمیز جنسیتی؛ سال‌هاست که فستیوال‌های جهانی به زن مسلمان اهل خاورمیانه توجه ویژه‌ای داشته‌اند و این نه از سر دلسوزی، عدالت‌خواهی، مساوات و غیره است بلکه برای حفظ ظاهر و ویترین این دست فستیوال‌هاست. همین‌طور دانشگاه‌های اروپایی که دقیقا هر ساله این نوع انتخاب و پذیرش به شکل نانوشته در دستور کارشان قرار می‌گیرد. این‌ها همان امتیازاتی‌ست که جهان اولی‌ها برای شرایط بد توسعه‌نیافتگی جهان سومی‌ها که میان تحسین و تحقیر مرزی دارد از مو باریک‌تر در نظر گرفته‌اند.

اغلب هنرمندان (به ویژه زنان خاورمیانه) احتمالا در مسیر کار حرفه‌ای مشمول این امتیازات ناشی از نگاه مثبت جنسیتی بشوند، اما چرا باید این امتیاز باز هم در قلب خاورمیانه –ایران– برای همه عکاسان زن مسلمان در نظر گرفته شود و در نهایت عنوانی طرح شود که عواقبی علاوه بر نکاتی که ذکر شد در پی داشته باشد؟

عنوان نشان عکاس برتر زن سال عنوانی است که برای یکی از هفت بخش اولین نشان عکاسان مطبوعاتی در نظر گرفته شده است. این عنوان شاید در نگاه اول بسیار برجسته باشد اما کافی است کمی در آن عمیق بشویم. این نشان در گام اول زن و مرد را در فضای مطبوعات از هم جدا می‌کند نه تنها مدیران را به اهمیت در نظر گرفتن برابری آن‌ها در حق و حقوق مجاب نمی‌کند بلکه بار دیگر مشوق رفتار تبعیز آمیز آنان با عکاسان در رسانه می‌شود. زمانی‌که عکاسان زن و مرد در جامعه‌ای مشترک و رسانه‌ای واحد کار می‌کنند و برای انجام پروژه حرفه‌ای‌شان مسیری یگانه را باید طی کنند، چرا زن و مرد در این رخدادها باید به شکلی جداگانه ارزیابی شوند مگر اینکه زنان را موجوداتی استثنایی –با بار منفی این واژه– در نظر بگیریم. یا این‌که زنان موجودات فی‌نفسه ضعیف هستند و اگر عکاسی خبری می‌کنند پس کاری خارق‌العاده و بسیار بیش‌تر از سطح توانایی ذهنی و بدنی خود انجام می‌دهند؛ مرز باریکی‌ست میان نگاه مثبت جنسیتی و نگاه ترحم آمیز جنسیتی.

فارغ از مرور چند باره تفاوت‌ها و تمایزات زنانه و مردانه نکته مهمی که در این‌جا باید مورد توجه قرار بگیرد عواقب ناعادلانه این جداانگاری‌های نشان‌گونه است؛ و آن گرفتن چهار فرصت دیگر از زنان عکاس در اولین دوره اهدای نشان به ازای تنها یک فرصت است. اولین دوره اهدای نشان عکاس برتر انجمن مطبوعات ایران مشتمل بر هفت بخش بود؛ عکاسی خبری، عکاسی مستند، عکاسی ورزشی، عکاس زن، عکاس پیشگام و روزنامه برتر که با کنار گذاشتن دو بخش آخر و نادیده گرفتن بخش زنانه، زنان عکاس به جای حضور در تنها یک بخش، یعنی عکاس زن، امکان حضور در چهار بخش دیگر را داشتند. می‌توانستند هم‌تراز با دیگر همکاران مرد مورد ارزیابی قرار بگیرند. شانس‌های دیگری برای انتخاب شدن داشتند که با تصویب این نشان از آن‌ها دریغ شده است. متن بیانیه که در بالا آمده است، آینده‌ای را متصور می‌شود که در حال آن، فرصت‌هایی را از مخاطبین خود گرفته است. متوجه کردن مسئولین در رسانه‌ها نسبت به رعایت حقوق همکاران زن به طرق دیگر نیز می‌تواند صورت بگیرد به شکلی که نتیجه فرصت‌خواهی‌ها باعث فرصت سوزی نشود. در ادامه باید یادآور شد که اغلب مسئولین در هیئت مدیره انجمن و جمع کثیری از اعضای درجه ۱ این انجمن و همچنین بسیاری از اعضای با سابقه انجمن نامبرده، مسئولین و دبیرهای بخش عکس در جراید و خبرگزاری‌ها هستند و در تمام این ۱۷ سالی که از تاسیس این انجمن می‌گذرد زمان بسیاری در اختیار بوده تا اقداماتی جهت سهولت در کار عکاسان زن و تخصیص حقوق واقعی از سوی ایشان صورت بگیرد. اگر تمام این سال‌ها برای انجام این اقدامات کافی نبوده، پس از دست یک نشان تازه نفس و نادرجا چه انتظاری می‌توان داشت. در پی ذکر این نکات بی‌انصافی است اگر اقدامات و فعالیت‌های مناسب و به جای انجمن عکاسان مطبوعات ایران را به راحتی نادیده بگیریم.

یکی از آن‌ها همین اهدای نشان عکاس برتر است که در نوع خود قابل توجه است و البته تنها یک دوره از آغاز آن می‌گذرد و به هر صورت امید است همچون دیگر فعالیت‌های انجمن این نشان نیز مورد ارزیابی و بررسی دوباره قرار بگیرد. – **سارا ساسانی**

انتشار سه مجموعه شعر از زبان‌های کردی و چینی

سه مجموعه شعر تازه از زبان‌های کردی و چینی منتشر شده است.

دو مجموعه شعر کردی و یک مجموعه شعرچینی به تازگی در نشر داستان منتشر شده است.

سنگ‌ها در شب می رقصند (گزیده شعرهای گائو شانگمی/ میر) با ترجمه سحر توکلی در ۶۸ صفحه و با قیمت ۱۰۰۰۰تومان روانه بازار کتاب شده است.

گائو شانگمی معرو ف به میر، یکی از خلاق‌ترین و پرکارترین شاعران معاصر اهل چین است. او که صدایی تازه و بالغ در شعر معاصر چین محسوب می‌شود، متولد سال ۱۹۶۸ میلادی است و اولین مجموعه شعرش را در سال ۱۹۸۶ به چاپ رسانده است. تفکر میر به وسعت قرن‌ها در بستر طبیعت و شاعرانگی پیش می‌رود و به دلیل نوآوری و خلق سبک منحصر به فرد در آثارش، در سال ۲۰۱۴ دکترای افتخاری آکادمی بین‌المللی فرهنگ و هنر جهان را دریافت کرده است.

درونمایه فلسفی و تفکر انتزاعی اشعارش او را به شاعری متفاوت تبدیل می‌کند. شاعری که زندگی را از منظر سنگ‌ها و صخره‌ها و بر فراز کوه‌ها نگاه می‌کند و در طنین سکوت قرن‌ها و در تلاطم امواج رودها، تصویرهایی را ورق می‌زند که در نوع خود بی‌بدیل است. به سختی و به ندرت می‌توان در آثارش شتابزدگی‌های فردی و برون‌ریزی‌های شخصی را دید. میر، نمک بر زخم‌های طبیعت می‌پاشد و درد را از زبان سنگ بازگو می‌کند. از آتش فانوس‌های پیر و خسته و از اشتیاق رعد و صاعقه می‌گوید. از تمنای یک قطره آب در مسیر رود و از سال‌ها فرسایش می‌نویسد و در بیشتر شعرها

سایه استعاره خستگی و فرسودگی روح بشریت به چشم می‌خورد.

او بیش از شش مجموعه شعر منتشر شده دارد و شعرهایش در آنتولوژی‌های مختلف و به زبان‌های دیگر ترجمه شده اند. میر پس از انتشار مجموعه شعرش با عنوان وزن اسفنج در سال ۲۰۱۳ مورد توجه فضای ادبی چین و جهان قرار گرفت و در سال ۲۰۱۴ نامش در میان ده شاعر برتر poets digest به چشم می‌خورد. او همچنین برنده جایزه شعر برتر تایوان شده است. میر در حال حاضر با خانواده‌اش در پکن زندگی می‌کند.

کتاب سایه ره یل که ل، پنجمین مجموعه شعر کردی از سروده‌های شاعر جوان احسان نجفی است. نجفی از شاعران فعال و خلاق و نوگرای شعر کردی جنوبی است که افق‌های روشنی در پیش دارد و تجربه‌های تازه‌ای به شعر کردی جنوبی اضافه کرده است.

ور در آخر سلفی ژان(مجموعه غزل کردی) اثر کیومرث بلده نیز در ۹۰ صفحه منتشر شده است.

کیومرث بلده از پیشگامان ادبیات کودک و نیز ادبیات داستانی با گویش کردی جنوبی به شمار می‌رود و پیش از این کتاب آثار در این حوزه منتشر کرده است . اما این کتاب اولین مجموعه شعری‌ست که از وی منتشر می‌شود.

پیش‌بینی برای رقابت در جشن خانه سینما

نوزدهمین جشن خانه سینما با رقابت میان حدود ۶۰ فیلم سینمایی تا کمتر از ۲۰ روز دیگر برگزار خواهد شد.

جشن خانه سینما که به سنت هرسال همزمان با روز ملی سینما در ۲۱ شهریورماه برگزار می‌شود، امسال تلاش می‌کند یک قدم به شیوه آکادمی نزدیک‌تر شود که در این راستا یک هیئت موسس برای تشکیل آکادمی به مدت سه سال با دبیری تورج منصوری از مدتی قبل شروع به کار کرده است. این هیئت پس از انتخاب هارون یشایایی به عنوان رئیس نوزدهمین جشن خانه سینما، بیشتر تمرکز خود را بر بررسی شیوه کشورهایی که آکادمی دارند و تدوین یک اساسنامه گذاشته است.

با این حال در جشن نوزدهم خانه سینما داوری به شیوه‌ای که مشخص و اعلام شده برگزار می‌شود و فیلم‌هایی که از ۳۱ خردادماه سال ۱۳۹۵ تا همین تاریخ در سال ۱۳۹۶ اکران عمومی شده‌اند، مورد ارزیابی داوران قرار می‌گیرند و با هم به رقابت می‌پردازند.

در این دوره از جشن خانه سینما برخلاف سال‌های قبل قرار است تمام فیلم‌های اکران شده در تاریخ تعیین شده، ارزیابی و قضاوت شوند و ضرورتی براینکه صاحبان فیلم متقاضی شرکت در جشن و رقابت باشند نیست.

در جشن نوزدهم آثار فیلمسازانی همچون رضا میرکریمی، رضا عطاران، رضا درمیشیان، کمال تبریزی، پوران درخشنده، حمید نعمت‌اله، سامان مقدم، پیمان قاسمخانی، سعید سهیلی و همایون اسعدیان با یکدیگر رقابت می‌کنند.

براین اساس فیلم‌های دختر رضا میرکریمی، زاپاس برزو نیک‌نژاد، دزد و پری حسین قناعت، دراکولا رضا عطاران، لانتوری رضا درمیشیان، امکان مینا کمال تبریزی، ناردون فریدون حسن‌پور، آبنبات چوبی محمدحسین فرحبخش، من سهیل بیرقی، سایه مسعود نوابی، نبرد خلیج فارس فرهاد عظیما، سایه‌های موازی اصغر نعیمی، ربوده شده بیژن میرباقری، اروند پوریا آذربایجانی، هیهات حجازی، اقباشاوی مقدم‌دوست و نایبجی، خشکسالی و دروغ پدرام علیزاده، این زن حقش را می‌خواهد محسن توکلی، نیمه شب اتفاق افتاد تینا پاکروان، آس و پاس آرش معیریان، سیانور بهروز شعیبی، یتیم‌خانه ایران ابوالقاسم طالبی، متولد ۶۵ مجید توکلی، نفس نرگس آبیار، مشکل گیتی بهرام کاظمی، سلام بمبئی قربان محمدپور، لاک قرمز سید جمال سید حاتمی، جنجال در عروسی سید رضا خطیبی، هفت ماهگی هاتف علیمردانی، وارونگی بهنام بهزادی، خانه‌ای در خیابان چهل و یکم حمیدرضا قربانی، چهار اصفهانی در بغداد محمدرضا ممتاز، شاباش حامد کلاهداری، گیتا مسعود مددی، ما همه گناهکاریم حسن ناظر، جشن تولد عباس لاجوردی، مبارک محمدرضا نجفی امامی، ماحی داود خیام، افسونگر حسین تبریزی، هلن علی‌اکبر ثقفی، بچه‌های جسور حجت‌اله سیفی، ابوزینب علی غفاری، ناسور کیانوش دالوند، فرار از اردو غلامرضا رمضانی از جمله فیلم‌هایی هستند که از ۳۱ خردادماه تا بهمن‌ماه سال ۱۳۹۵ در سینماها اکران شده‌اند.

همچنین در سال ۹۶ که شامل چند فیلم اکران نوروزی (با شروع زمان نمایش در اسفندماه) هم می‌شود، اسامی فیلم‌های زیر دیده می‌شود:

سه بیگانه مهدی مظلومی، خوب، بد، جلف پیمان قاسمخانی، گشت ۲ سعید سهیلی، نهنگ عنبر سلکشن رویا سامان مقدم، ماجرای نیمروز محمدحسین مهدویان، رگ خواب حمید نعمت‌اله، زیر سقف دودی پوران درخشنده، برادرم خسرو احسان بیگلری، آباجان هاتف علیمردانی، مادر قلب اتمی علی احمدزاده، یک روز بخصوص همایون اسعدیان، ویلایی‌ها منیر قیدی، تیک‌اف احسان عبدی‌پور، نقطه کور مهدی گلستانه، امتحان نهایی عادل یراقی، آشوب کاظم راست‌گفتار، دو عروس داود موثقی، مالیخولیا مرتضی آتش‌زمزم و قلب سفید قاصدک‌ها افشین محمودی.

فهرست نامزدهای جشن خانه سینما به زودی اعلام می‌شود و فیلم‌های نامزد در رشته‌های مختلف برای داوران به نمایش درمی‌آیند.

به ایران رای دهیم

سازمان جهانی جهانگردی ملل متحد در آستانه برگزاری بیست‌ودومین نشست مجمع عمومی در چین، مسابقه‌ای ویدئویی را راه انداخته تا با رای مردم، بهترین فیلم انتخاب شود. ایران در این مسابقه با ۶۳ کشور دیگر به رقابت پرداخته است.

مهلت رای دادن به این ویدئوها که ۶۴ کشور در آن شرکت دارند، تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۷ (۲۰ شهریورماه) خواهد بود.

فیلمی که از ایران به مسابقه گذاشته شده، رقص زندگی (Dance of life) نام دارد که بر عنصر آب تاکید کرده و فرهنگ اقوام کمتر شناخته‌شده ایران، اقلیم طبیعی و متفاوت از آنچه در خاطره جهانی از سرزمین خشک و کم آب ثبت شده و تنوع مذهبی را به نمایش گذاشته است.

این ویدئو که مخاطبانش را با شعار سفر به سرزمین ایران به تماشا دعوت می‌کند، تاکنون در یوتیوب بیش از ۶۵۰ بار دیده شده است.

سازمان جهانی جهانگردی با راه‌اندازی چنین مسابقه‌ای، از تمام کشورهای عضو دعوت کرده تا از این فرصت برای ترویج ویدئوهایی که از طریق رسانه‌های اجتماعی تبلیغ می‌شوند، استفاده کنند.

ایران در این مسابقه ویدئویی با کشورهایی مانند ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بنگلادش، بنین، بوتان، برزیل، بلغارستان، شیلی، چین، کلمبیا، کنگو، کاستاریکا، کرواسی، کوبا، جمهوری چک، جیبوتی، جمهوری دومینکن، اکوادور، مصر، فیجی، فرانسه، گامبیا، گرجستان، آلمان، غنا، یونان، گواتمالا، هندوراس، هنگ‌کنگ، اندونزی، ژاپن، کره‌جنوبی، لبنان، لیتوانی، ماکائو، مالدیو، مالت، موریس، مغولستان، پاناما، پاراگوئه، پرو، فیلیپین، پرتغال، قطر، رومانی، سان مارینو، صربستان، اسلواکی، اسلوونی، اسپانیا، سوئیس، سوریه، تونس، ترکیه، امارات، اروگوئه، ازبکستان، ونزوئلا، یمن و زامبیا که فیلم‌های تبلیغاتی گردشگری‌شان را به اشتراک گذاشته‌اند، رقابت می‌کند.

سازمان جهانی جهانگردی تصمیم دارد فیلم برگزیده به انتخاب مردم را در مجمع عمومی سالانه این سازمان در چین اعلام کند.

سمرقند میزبان گروه نقش می‌شود

گروه نقش به آهنگسازی و سرپرستی امیر شریفی و خوانندگی مجتبی عسکری به دعوت فستیوال بین‌المللی ترانه شرقی برای اجرا در یازدهمین دوره این فستیوال به کشور ازبکستان خواهد رفت.

این فستیوال که هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود با دعوت از شاخص‌ترین موسیقی‌دانان سراسر دنیا و برگزاری کنسرت و کنفرانس در بافت تاریخی شهر زیبای سمرقند، در پی ایجاد صلح با تاکید بر سرشت مشترک موسیقی تمام اقوام از سراسر دنیا است.

گروه نقش پس از هفت سال فعالیت مستمر این بار بخش‌هایی از قطعات اجراشده در کنسرت سال گذشته خود با نام در گیسوی او پیچید را در این فستیوال اجرا خواهد کرد. فعالیت این گروه با توجه به مبانی و زیبایی‌شناسی دو حوزه موسیقی کلاسیک قاجاری و پیش‌قاجاری، با رجوع به منابع مکتوب به‌جامانده از دوره تیموری و صفوی و استفاده از امکانات بالقوه موسیقی دستگاهی است.

اعضای گروه نقش در این سفر عبارتند از تار: امیر شریفی، خواننده: مجتبی عسکری، سنتور: محمد عشقی، کمانچه: المیرا مردانه، قانون: مرجان مهربان، تمبک: سهیل اله‌دادیان

یاد

از خاک بود و با خاک زیست ...

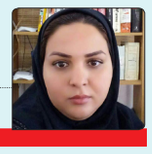

الهام رئیسی‌فراد نبه – روزنامه‌نگار

مارکو گریگوریان از هنرمندان پیشگام و چندهنره بود و بر نسلی از نقاشان هم‌دوره خود تاثیر گذاشت. او در نقاشی و پیکرتراشی و بافتن نقش بر قالی نوآور بود و همچنین با نام گریگوری مارک در چند فیلم فارسی نیز بازی کرد. کار او با خاک و کاهگل از نوآوری‌های او بود که با کیمیای هنر خاک را زر می‌کرد.

مارکو در سال ۱۹۲۵ از پدر و مادری که از سرزمین‌های ارمنی ترکیه کنونی به روسیه رفته بودند در روسیه به دنیا آمد. آن‌ها به ایران آمدند و مارکو در ایران رشد کرد. مارکو گریگوریان پنج سال پیش در ۲۷ اوت ۲۰۰۷ در اثر حمله دزدانی که به قصد ربودن اموالش به او حمله کرده بودند مدتی در بیمارستان بستری و سپس در اثر ایست قلبی، در ایروان ارمنستان درگذشت.

به عنوان یکی از نمایندگان هنر مدرن، مارکو گریگوریان، در تاریخ هنر جایگاه ویژه‌ای دارد. برخوردی کوتاه با مارکو کافی بود تا او را هنرمندی راستین را ببینید. هنر مارکو را نه تنها در گونه‌ها و ژانرهای خلاقانه‌اش مانند نقاشی و کار با خاک، گل، زمین، بافتن و نقاشی با قالی می‌شد دید، بلکه در وجود خود او هم هنرمندی برجسته متبلور بود.

گرچه مارکو فردیت و تشخص درخشان خود را در هر یک از این رشته‌ها نشان داد، اما به نظر من، این کار او با کاهگل، خاک و زمین بود که شناسنامه‌اش شد. او توانست با هنرش به ماده پیش پا افتاده‌ای چون خاک ارزش هنری بدهد. به بیانی دیگر او با کیمیای هنر خاک را زر کرد. با گذاشتن خاک در قابی چهارگوش، آن را کانون تاملات کرد. دیگر خاک آن ماده کم ارج نبود و در آن گوهر هنر تجلی یافته بود.

شکل هندسی مربع، نشانگر سرپناه و محیط زیست بود و در همان حال محتوای آن شکل مربع در برگیرنده جاودانگی و رمز ابدیت حفاظت از آن شد. انسان از خاک آفریده شد، بر خاک زندگی می‌کند و درباره خاک می‌آفریند.

نخستین چیزی که از نظر اهمیت مادی و معنوی موازی و مقایسه‌شدنی در پیوند با زمین است، میهن آدمی است. جایی که هر فرد محکم بر روی زمین می‌ایستاده است. شاید بتوان گفت که مارکو می‌کوشد احساس به امنیت را در فرد نشان دهد که چگونه در آن سرنوشت و زندگی به زمین گره خورده‌اند. می‌توان دید که توان و نیروی درونی مارکو، او را برآن داشته که هنر خاک را بیافریند. شاید این موضوع که میهن‌ش پیوسته زیر سلطه بیگانگان بوده و خود او نیز در سرزمینی دیگر زندگی کرده و هنر آفریده در تحقق این امر بی‌نقش نبوده است.

مارکو که پیوسته در اندیشه نوآوری بود پهنه نوین دیگری برای ابداع هنری خود یافت و آن بافتن و نقاشی با قالی بود. هنر و صنعت در چندین پهنه به هم می‌تنند، درهم می‌آمیزند و با هم ترکیب می‌شوند و پدیده‌ای هنری می‌آفرینند. قالی بافی یکی از آن‌هاست.

چنان‌که مارکو خود می‌گوید، فکر قالی‌بافی و نقاشی با قالی در سال ۱۹۵۷ به ذهنش رسید. و آن زمانی بود که داشت برای دخترش سابرینا با مداد رنگی بز کوچکی می‌کشید. این بز کوچک تبدیل به کشیدن چند بز شد. از نقاشی این بزها چند ترکیب و کمپوزیسیون پدید آمد که از هنر غارنشینی الهام گرفته بود.

مارکو تاریخ هنر قالی ایرانی و ارمنی را آموخته بود و در نتیجه با ویژگی‌های خود آن یک رشته طرح‌هایی مستقل پدیدآورد. گرچه اسم قالی‌ها ارمنی است اما تعبیری است از خطوطی آزاد و رهاشده که گویی روی قالی شناورند. نقش قالی‌ها درک هنر قالی‌بافی ملی ارمنی را غنا می‌بخشد و پهنه آن را گسترده‌تر می‌کند.

در نتیجه قالی‌های این هنرمند به عنوان قالی‌های مدرن ارمنی شناخته می‌شوند. و این مارکو گریگوریان را به عنوان هنرمندی یکتا برجسته می‌سازد، زیرا هیچ ارمنی دیگری تاکنون دل آن را نداشته تا سنت قالی‌بافی ارمنی و عناصر قومی آن را کنار بگذارد و طرحی نو دراندازد و این به شجاعت همراه با مسئولیت نیازمند است.

مارکو همچنین توانست تا کهنه را با نو درآمیزد. او برای موضوعات تاریخی راه حل‌ها و راهکارهای نو و مدرن یافت و هرکدام را به شیوه خودش تفسیر و تحلیل کرد. چراکه مارکو افکار خودش را بر دیگران تحمیل نمی‌کند و گزینه‌ای را پیش رو می‌گذارد که پایان ندارد.

مارکو، در نقاشی، قلم مویی دارد بسیار نیرومند. در کارهای اولیه‌اش عناصری از کوبیسم را می‌توان دید. سرچشمه‌های الهامش در کارهای آن دوره متنوع‌اند. منظره، پرتره، و گاه تخیل. رنگ‌ها به نسبت بیشتر زنده، فشرده و چند رنگی‌اند. گاهی رنگ‌های تیره وارد صحنه می‌شوند و در این دوره طرح‌های بیشتری از او می‌بینیم.

از نمونه‌های درخشان زندگی خلاق مارکو کارهای او با نام دروازه‌های آشویتس است که یکی از کشتارگاه‌های وحشتناک یهودیان به دست نازی‌هاست. مارکو بینندگان را وامی‌دارد تا حال را رها کنند و دوباره به دیدار این فاجعه بروند. گویی این راهی است برای بیداری، و شکستن خمار بیننده، که مارکو با نقاشی‌اش در برابر بیننده می‌گذارد. او از هر راهی که شده می‌خواهد انسانیت را از تکرار یک چنین فاجعه‌ای بازدارد. این را می‌شود نه تنها در خطوط محکم و قوی بلکه در تکیه بر اندازه و کمیت دید. پرده‌های سیزده‌گانه با حرکت‌های فاجعه بار آغاز و پایانی دارند. در سیزدهمین تابلو برای نشان‌دادن ادامه یافتن زندگی، خاکستر به خاک بدل می‌شود.

در پرتره‌نگاری، شیوه مارکو در انتخاب مدل بسیار جالب بود. هرکسی نمی‌توانست بخت این را داشته باشد که مارکو از او پرتره‌ای بکشد. مارکو بیشتر کسانی را برمی‌گزید که پیرامونش بودند و به گفته خودش کسانی که حرفی برای زدن داشتند. او بیشتر به زیبایی درونی و نه برونی توجه داشت. رنگ‌ها در پرتره‌هایی که در بیست سال آخر نقاشی شدند ملایم‌تر و طبیعی‌تر بودند. به نظر من او می‌کوشید نظرها فقط متوجه پرتره باشند. این‌ها بیشتر کارهایی اکسپرسیونیستی و بیان گرایانه‌اند و او بیشتر از آدم‌ها بیانی ارایه می‌داد آن‌گونه که خود دیده بود. یادم می‌آید که یک بار با خنده به من گفت چگونه زنان زیبایی که پرتره آن‌ها را کشیده بود به او پرخاش می‌کردند. به من می‌گفت که آن‌ها هنر را نمی‌فهمند. زن‌ها می‌خواستند خود را زیباتر ببینند. او هنگام کشیدن پرتره‌ها به زنها اجازه نمی‌داد که پرتره ناتمام را ببینند. سرانجام وقتی که پرتره تمام می‌شد و چهره نامتقارن و پرچروک خود را می‌دیدند عصبانی می‌شدند. مارکو از بوم نقاشی‌اش جدا نمی‌شد و نمی‌خواست تابلوهایش را دیگران ببرند. در دادن تابلو به مدل‌هایش نیز چندان دست و دلباز نبود. اما در این میان من اقبالم بیشتر بود. در سه سال آخر عمر، او هیچ نقاشی‌ای نکشیده بود. هر وقت که مرا می‌دید می‌گفت من باید پرتره‌ای از تو بکشم. یک ماه پیش از مرگش زمانی‌که شب هنگام در خانه بود به من گفت فردا صبح بیا تا پرتره‌ات را بکشم. صادقانه بگویم مدت‌ها بود که من منتظر چنین لحظه‌ای بودم. او یک ساعت و چهل دقیقه در آن روز گرم تابستانی مرا نقاشی کرد. آن روز من بسیار خوشحال بودم اما وقتی که پرتره را دیدم شگفت زده شدم. او با اشاره به پرتره من گفت این ایوت آن ایوتی است که من می‌شناسم: جدی، پرتوقع، با پشتکار تا رسیدن به هدف. آخرش هم گفت: می‌خواهم اسم این پرتره را حضرت مریم بگذارم. خندیدم و گفتم چه کسی حضرت مریم را با موی سرخ دیده است؟ در پاسخم گفت حضرت مریم من موی سرخ دارد.